

بررسی علل پیدایش فرصت‌طلبی و رابطه‌ی آن با نظام اخلاقی جوانان (مورد مطالعه: شهر اصفهان)

سیدعلی هاشمیان^۱

غلامعباس توسلی^۲

مریم داستانی^۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۱۲/۲۰

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۰۸/۱۵

چکیده

مفهوم فرصت‌طلبی از دیرباز به‌طور خاص مورد توجه بسیاری از متفکران اجتماعی بوده است. در یک نگاه دقیق، فرصت‌طلبی به‌عنوان یک پدیده‌ی چند علتی، چند بعدی و چند دلالتی به نابهنجاری‌های اجتماعی که می‌تواند باعث تخریب نظام اخلاقی جامعه شود، مربوط می‌شود. نگاهی دقیق به ادبیات موضوع نشان می‌دهد که برخی پژوهشگران در پی تبیین اجتماعی پدیده‌ی فرصت‌طلبی هستند، در حالی که بعضی دیگر در پی تبیین آن با تعیین‌کننده‌هایی چون انتخاب‌های فردی می‌باشند. این یک مفروضه است که این انتخاب‌ها صرفاً در یک خلاء اجتماعی، سیاسی و فرهنگی صورت نمی‌گیرد و انواع تعیین‌کننده‌های زمینه‌ای چون سن، جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و اشتغال از یک طرف و متغیرهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی از سوی دیگر، بر آن تأثیر گذارند. این تحقیق در پی مطالعه پیمایشی فرصت‌طلبی و تعیین‌کننده‌های آن در میان شهروندان ۲۰ سال به بالای اصفهان (n=384) است. مطالعات در این زمینه نشان می‌دهد هرچه میزان دینداری، انسجام اجتماعی و سرمایه اجتماعی در جامعه بیشتر باشد، میزان فرصت‌طلبی در جامعه کاهش می‌یابد و از سوی دیگر هرچه میزان آنومی و فردگرایی در جامعه بیشتر باشد، میزان فرصت‌طلبی نیز افزایش می‌یابد. همچنین با توجه به نتایج تحقیق می‌توان اذعان داشت که فرصت‌طلبی بر حسب سن شهروندان متفاوت است، حال آن‌که جنسیت و وضعیت تأهل هیچ‌گونه تأثیری بر گرایش افراد به سمت رفتارهای فرصت‌طلبانه ندارد و طبقه اجتماعی، سرمایه اجتماعی، دینداری، فردگرایی و انسجام اجتماعی و آنومی رابطه معنی‌داری با فرصت‌طلبی دارند.

کلیدواژه‌ها: فرصت‌طلبی، سرمایه اجتماعی، دینداری، انسجام اجتماعی، فردگرایی

۱- استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان

۲- استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران

۳- دانشجوی دکتری دانشگاه بوعلی‌سینا (* نویسنده مسئول)

*: نویسنده مسئول

Email: maryamdtn59@gmail.com

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد نویسنده مسئول مقاله می‌باشد.

مقدمه

فرصت‌طلبی به‌عنوان یک عامل برهم‌زننده‌ی نظام اخلاقی در جامعه، حائز اهمیت است؛ البته فرصت‌طلبی از دو منظر مثبت و منفی قابل بررسی است. فرصت‌طلبی مثبت را می‌توان با نیاز به موفقیت و کارآفرینی همسو در نظر گرفت؛ چنانچه در بعد مثبت می‌توان این‌گونه استنباط کرد که زمان هر لحظه در گذر است؛ این‌که چگونه بتوانیم از آن بهره‌بیریم بسیار مهم است. هر دقیقه‌ای از آن آنقدر ارزش دارد که بتوان برای آن برنامه‌ریزی کرده و از آن لذت کافی را برد. در حالی‌که فرصت‌طلبی در بعد منفی تحت عنوان بهره‌گیری از فرصت‌ها بدون توجه به عواقب آن برای دیگران و بهره‌گیری از شرایط به نفع خود تعریف می‌شود. مسئله اصلی این پژوهش بررسی فرصت‌طلبی در بعد منفی است. چراکه در بسیاری موارد افراد سودجو و منفعت‌طلب از آن جایی که فقط به فکر منافع خود هستند، سعی می‌کنند مشکلاتی را بر سر راه اجرای قانون و تحولات بنیادی و اساسی که می‌تواند در سرنوشت افراد یک جامعه مؤثر باشد، ایجاد کنند. در بررسی تحولات اجتماعی معمولاً دیده می‌شود که اقدامات عملی جهت تغییر شرایط نابسامان و فاسد قبلی پس از مدتی متوقف‌شده و یا به ضد خود تبدیل می‌شود. این تغییر و تحول که معمولاً غیرمترقبه صورت می‌گیرد همان چیزی است که فرصت‌طلبان با شیوه‌ی فرصت‌طلبی خود و البته با طرح و نقشه‌ی قبلی به جامعه تحمیل می‌کنند.

همچنین با توجه به اینکه رگه‌های اخلاق را می‌توان در تمام زمینه‌های اجتماعی مشاهده کرد و به تعبیری نظیر قوت لایموتی است که بدون آن جوامع قادر به ادامه‌ی زندگی نخواهند بود (امیل دورکیم، ۱۳۵۹)؛ و با توجه به این‌که نقش بی‌بدیل و بارز اخلاق، ایجاد تعادل و هماهنگی میان فرد و جامعه است (کلانتری، ۱۳۸۵: ۶۰)؛ از دیدگاه جامعه‌شناسانه می‌توان ادعان داشت که فرصت‌طلبی یکی از عواملی است که در عین حال که می‌تواند در چارچوب یک نظام اخلاقی مفید واقع شود، می‌تواند اصول اخلاقی یک جامعه را تضعیف کند. جامعه‌ی مبتنی بر سودجویی فردی بنا به ماهیت خود، با معیارهای اولیه‌ی اخلاقی در تضاد است. معیارهای ساده‌ی اخلاقی هر لحظه از طرف منفعت‌طلبان و خویش‌پرستان لگدکوب می‌شود (صادقی، ۱۳۷۱: ۶۲).

فرصت‌طلب چنان وسیله محور است و چنان از ابزارهای غیرمشروع جهت اهداف خود استفاده می‌کند که از آن جز بوی ابزارانگاری به مشام نمی‌رسد. جوانان نیز به‌عنوان یکی از گروه‌هایی که بخش گسترده‌ای از جمعیت جوان کشور ما را تشکیل می‌دهد، می‌توانند در معرض مسائل و مشکلات ناشی از پدیده‌ی فرصت‌طلبی قرار بگیرند و یا اینکه در راستای افزایش و کاهش فرصت-طلبی نقش مهمی را به خود به اختصاص دهند. بنابراین با پژوهشی که در این زمینه در شهر

اصفهان به‌عنوان مورد مطالعه صورت گرفته، امید است بتوان به شناخت بیشتری نسبت به فرصت‌طلبی و زمینه‌های بروز آن در روابط اجتماعی و رابطه آن با نظام اخلاقی جامعه و جوانان دست یافت.

فرصت‌طلبی

فرصت‌طلبی عبارت است از دستیابی به منافع شخصی به کمک دورویی. این تعریف به‌ندرت می‌تواند شامل رفتارهای ناشایستی چون دروغ، سرقت و تقلب باشد؛ اما درعین حال در اغلب مواقع شامل اشکال ظریفی از فریب‌کاری نیز می‌باشد. به‌طور کلی فرصت‌طلبی اشاره به ناقص ساختن یا افشا و تحریف اطلاعات، به‌خصوص به محاسبه تلاش برای گمراه کردن، پنهان‌کاری، مبهم و تاریک کردن شرایط و تحریف دارد. فرصت‌طلبی مسئول شرایط واقعی یا ساختگی عدم تقارن اطلاعات است که از مشکلات پیچیده سازمان‌های اقتصادی است. در شرایط رفتاری، رفتار فرصت‌طلبانه فرض بر این دارد که در هر شرایط یا موقعیت ساختاری منفعت شخصی اولویت دارد. در این‌جا دو سؤال پیش می‌آید که:

- (۱) تا چه حد انسان‌ها مستعد به انجام اعمال فرصت‌طلبانه هستند، یعنی، به‌دنبال منافع شخصی به قیمت خیانت به دیگران.
- (۲) اگر چنین گرایش‌های فرصت‌طلبانه‌ای واقعاً وجود دارد تا چه حد تعیین‌کننده اولیه رفتار فرصت‌طلبانه هستند؟

در اینجا می‌توان اینچنین استنباط کرد که نگرش‌های فرد فرصت‌طلب و رفتار وی متأثر از یکدیگر هستند (Chao C. chen and et al, 2001).

چارچوب نظری تحقیق

در این مقاله سه حوزه نظری که بتواند فرضیه‌های مورد نیاز برای تبیین "فرصت‌طلبی" را به‌دست دهد، استفاده شده است. برای این منظور از تئوری‌های مربوط به "کنش اجتماعی"، "بی‌هنجاری"، "سرمایه اجتماعی" می‌توان بهره برد؛ مناسب‌ترین "تئوری کنش" مربوط به "تالکوت پارسونز" است. بنابراین در ابتدا تئوری کارکردگرایی ساختی پارسونز تا حد امکان مطرح و سپس پدیده‌ی فرصت‌طلبی در ابعاد مختلف این تئوری مورد توجه قرار داده می‌شود.

تئوری کارکردگرایی ساختی

تئوری کارکردگرایی ساختی از یکسو کارکردها و نتایج پدیده‌های اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد و از سوی دیگر بر رابطه پایدار و تداوم بین عناصر جامعه و کل نظام اجتماعی ناظر است. بنابراین کارکردگرایی ساختی از دو منبع الهام می‌گیرد. (۱) کارکردگرایی (۲) ساختارگرایی‌ای. یک کارکرد، "مجموعه‌ی فعالیت‌هایی است که در جهت برآوردن یک نیاز یا نیازهای دیگر نظام انجام می‌گیرد". پارسونز با توجه به این تعریف، معتقد است که چهار تکلیف است که برای همه‌ی نظام‌ها ضرورت دارند:

۱؛ تطبیق؛ ۲؛ دستیابی به هدف؛ ۳؛ یکپارچگی؛ ۴؛ سکون یا نگهداشت الگو. هر نظامی برای زنده ماندن باید این چهار کارکرد را انجام دهد:

۱. تطبیق^۱: هر نظامی باید خودش را با موقعیتی که در آن قرار گرفته تطبیق دهد؛
۲. دستیابی به هدف^۲: یک نظام باید هدف‌های اصلی‌اش را تعیین کند و به آنها دست یابد.
۳. یکپارچگی یا انسجام^۳: هر نظامی باید روابط متقابل اجزای سازنده‌اش را تنظیم کند و به رابطه‌ی میان چهار تکلیف کارکردیش نیز سر و صورتی بدهد.
۴. الگوی حفظ‌کننده^۴: هر نظامی باید انگیزش‌های افراد و الگوهای فرهنگی آفریننده و نگهدارنده را ایجاد، نگهداری و تجدید کند.

این چهار تکلیف در کلی‌ترین سطح آن، با چهار نظام کنش پیوند دارد. ارگانسیم زیست‌شناختی، نوعی نظام کنش است که کارکرد تطبیقی‌اش را از طریق سازگاری و تغییر شکل جهان خارجی انجام می‌دهد. نظام شخصیتی، کارکرد دستیابی به هدف را از طریق تعیین هدف‌های نظام و بسیج منابع برای دستیابی به آنها انجام می‌دهد. نظام اجتماعی، با تحت نظارت درآوردن اجزای سازنده‌اش، کارکرد یکپارچگی را انجام می‌دهد. سرانجام نظام فرهنگی، کارکرد سکون را با تجهیز کنشگران به هنجارها و ارزش‌هایی که آنها را به کنش برمی‌انگیزند، انجام می‌دهد.

از آن‌جا که اخلاق را می‌توان در همه‌ی ابعاد ساختار نظام کلی کنش پارسونز جای داد، می‌توان این‌گونه مطرح کرد که اگر هر کدام از این نظام‌ها دچار اختلال شود، نظام اخلاقی حاکم بر یک جامعه رو به زوال و نابودی می‌رود. در این شرایط جامعه دچار بی‌هنجاری می‌شود بنابراین در این پژوهش برای بررسی عواملی که باعث پیدایش فرصت‌طلبی می‌شود، فاکتورهای مخرب هر یک از خرده نظام‌های نظریه‌ی پارسونز با یک دیدگاه آنومیک به‌طور خلاصه مطرح

-
1. Adaption
 2. Gol attainment
 3. Integration
 4. Latency, Or Pattern maintenance

می‌شود. بدین خاطر ابتدا آنومی و مفاهیم مرتبط با آن و نظریه‌های برجسته در این زمینه را تا سرحد امکان شرح داده و سپس عوامل آنومیک هر یک از خرده‌نظام‌ها معرفی می‌شود.

- آنومی

آنومی وضعیتی اجتماعی است که خصیصه‌ی بارز آن از هم پاشیدگی معیارهای حاکم بر روابط و تعاملات اجتماعی است. مفهوم آنومی شکاف موجود میان تفسیر عمل اجتماعی در سطح فردی را با تفسیر آن در سطح ساختار اجتماعی با پیوند میان آن‌ها، پر می‌کند. تعبیر کلاسیک آن در جامعه‌شناسی توسط امیل دورکیم مطرح شده است.

خرده‌نظام‌های اجتماعی و عوامل آنومیک برهم زننده‌ی آنها

- خرده‌نظام سیاسی و آنومی

از نظر دورکیم آنومی سیاسی، آنومی جامعه‌ی سیاسی است و این آنومی را می‌توان سیاسی نامید، زیرا قواعد به‌ویژه قواعد حقوقی که دولت اندام حفظ و حراست از آنهاست اقتدار خود را در برابر خواسته‌ها و امیال سرکش مردم از دست داده‌اند.

در این قسمت، در دو سطح خرد و کلان به بررسی رابطه‌ی قدرت - ثروت و تأثیر آن بر فرصت‌طلبی پرداخته شده است. سطح کلان تأثیر ساختار قدرت بر توزیع ثروت و درآمد و علل نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی بررسی می‌کند. در سطح خرد به بررسی چگونگی سوءاستفاده از قدرت برای تراکم ثروت شخصی و اثر پایبندی ضعیف به میثاق بین حاکمیت و مردم در گسترش فساد می‌پردازیم.

در گفتمان جدید، فساد عبارت است از سوءاستفاده از موقعیت، قدرت و منابع عمومی با هدف کسب نفع شخصی (فرصت‌طلبی). در فرهنگ‌های گوناگون این محرک انسانی جهان‌شمول، یعنی نفع شخصی، با هم تفاوت دارد. نفع شخصی شامل منافع رفاهی فرد، خانواده‌ی وی و گروه هم‌شأن اوست. منتقدان این محرک را حرص و آز و اقتصاددانان آن را حداکثر کردن مطلوبیت می‌نامند. عنوان آن هرچه باشد، جوامع در ایجاد مجرای برای تبلور منافع شخصی با هم تفاوت دارند، اما بدیهی است که نمی‌توان فساد را با ترغیب مردم به اینکه خودخواه‌تر باشند و فقط به حفظ نفع شخصی خود فکر کنند ریشه‌کن کرد. از طرف دیگر، نمی‌توان فقط با موعظه و دعوت مردم به این‌که کمتر خودخواه باشند به مبارزه با فرصت‌طلبی (به معنای فساد) پرداخت.

- خرده‌نظام فرهنگی و آنومی

در رابطه با خرده‌نظام فرهنگی در جامعه می‌توان این‌چنین اذعان داشت که اساسی‌ترین ضرورت کارکردی فرهنگ، ایجاد مناسبات جامعه و نظام فرهنگی و تشریح نظام هنجاری جامعه است و از همین‌رو است که نظام‌های قانونی یا مشروع، حقوق و وظایف اعضای جامعه را نیز تعریف می‌کنند. از سوی دیگر در جامعه اعمال قدرت بیشتر از هر چیز نیازمند وسیله‌ای است که آن را مشروع و قانونی جلوه دهد و لذا مفهوم قانونی و مشروعیت امر فردی جنبه اخلاقی خود را از کف می‌نهد. بر این بنیان امور و جریان‌های جامعه فی‌نفسه مشروع یا ممنوع نیستند؛ بلکه این امور در جوامع گوناگون به صور مختلف تابع واقعیت غایی بوده و جنبه مذهبی دارند. حال آن‌که می‌بینیم با رشد استقلال فردی، زمینه برای بروز رفتارهای فردگرایانه و فرصت‌طلبانه پدید می‌آید. چنان‌که در جوامع جدید، شاهد آنیم که رفتارهای غیرقانونی روزبه‌روز در جامعه بیشتر می‌شود و این خود گویای افزایش رقابت منفی میان افراد در زمینه‌های اجتماعی است.

- خرده‌نظام اقتصادی و آنومی

یکی از عواملی که در بسیاری موارد از تغییر و تحول جلوگیری می‌کند منافع شخصی دسته‌ها و گروه‌هایی است که از تغییر و تحول متضرر می‌شوند. در هر نظام اجتماعی دسته‌ها و گروه‌هایی از مزایای بیشتر برخوردار هستند و گروه‌های دیگری هم که وضع چندان مطلوبی ندارند، وضع زندگی خود را با شرایط موجود تطبیق داده، به‌صورتی به ادامه‌ی زندگی مشغول هستند. تغییر و تحول نه تنها منافع گروه‌های اول یعنی طبقات مرفه را به خطر می‌اندازد، بلکه اعضای گروه‌های محروم جامعه را نیز به خاطر ناامنی و غیرقابل‌پیش‌بینی بودن نتایج تحولات، نسبت به تغییر و تحول بدبین و مقاوم می‌سازد. در اینجا است که بوقلمون صفتی توده‌های مردم یک جامعه را مشاهده می‌شود. اکثریت مردم در این جوامع در هر دوره‌ای با گروه‌هایی همراه می‌شوند که سود و منفعت بیشتری برای آنها داشته باشد. در این شرایط است ما شاهد زوال ارزش‌ها و پایبندی‌های اخلاقی را در جامعه هستیم. افراد در این‌گونه جوامع تابع عقاید سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و ... خاصی نیستند؛ بلکه جهت‌گیری‌های آن‌ها در امور مختلف به منافع شخصی و خصوصی آن‌ها بستگی دارد، حتی اگر منافع افراد دیگر را به خطر بیندازد.

این‌گونه مسائل در کوتاه مدت تأثیر حادی بر روابط اجتماعی و سرمایه‌های اجتماعی یک جامعه نمی‌گذارد، اما در درازمدت می‌تواند تعادل و توازن نسبتاً ثابت در روابط اجتماعی را از میان ببرد و جامعه دچار نوعی "بی‌سازمانی" یا "اختلال و نابسامانی" می‌شود.

- خرده‌نظام اجتماعی و آنومی

در این قسمت به بررسی سرمایه اجتماعی و چگونگی تأثیرگذاری آن بر پیدایش آنومی می‌پردازیم. چراکه سرمایه اجتماعی با فرسایش فزاینده‌ی خود در یک جامعه می‌تواند زمینه را برای بروز

آنومی و سایر انحرافات اجتماعی و اخلاقی پدید آورد و بالعکس با رشد خود می‌تواند باعث کاهش بسیاری از انحرافات گردد. فوکویاما سرمایه اجتماعی را مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی می‌داند که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و سبب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌شود. وی سرمایه اجتماعی را به‌عنوان یک پدیده جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌دهد که با شعاع اعتماد ارتباط تنگاتنگی دارد و هر قدر شعاع اعتماد در یک گروه اجتماعی گسترده‌تر باشد، سرمایه اجتماعی نیز زیادتر خواهد بود و به تبعیت از آن میزان همکاری و اعتماد متقابل اعضای گروه نیز افزایش خواهد یافت.

آنچه از تعاریف متعدد سرمایه اجتماعی برمی‌آید این است که این مفهوم دربردارنده مفاهیمی همچون اعتماد، همکاری و روابط متقابل بین اعضای یک گروه بوده به نحوی که گروه را به سمت دستیابی به هدفی که بر مبنای ارزش‌ها و معیار رایج در جامعه مثبت تلقی شود هدایت می‌کند. بنابراین میزان سرمایه اجتماعی در یک جامعه می‌تواند نشان‌دهنده شکاف موجود بین آن جوامع مختلف از لحاظ برخورداری از یک نظام دموکراسی با حداکثر کارایی در نظام اقتصادی، اجتماعی باشد (مبشری، ۱۳۸۷).

حال با توجه به مفاهیم بیان شده می‌توان این‌گونه عنوان کرد که سرمایه اجتماعی می‌تواند باعث کاهش روند شدید فردگرایی در جامعه شود. ذخایر سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها، خود ضامن حس اجرای خود هستند و انباشته می‌شوند. سرمایه‌ی اجتماعی چیزی است که "آلبرت هیرشمن"، فیلسوف علوم اجتماعی، آن را "منبع اخلاقی" می‌نامد؛ یعنی منبعی که برخلاف سرمایه فیزیکی به تبع استفاده افزایش می‌یابد نه نقصان (تاجبخش، ۱۳۸۵: ۹۹)؛ اما آنچه ما در جامعه شاهد آنیم این است که سرمایه اجتماعی در حال فرسایش است. به تبع کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه میزان فرصت‌طلبی در جامعه روزبه‌روز بیشتر می‌شود. همچنین بنا به گفته‌ی فوکویاما فقدان سرمایه اجتماعی را می‌توان با رواج انحرافات اجتماعی مترادف دانست و بدین ترتیب نوعی مقیاس منفی برای سرمایه اجتماعی فراهم می‌سازد. به عقیده‌ی فوکویاما انحرافات اجتماعی نیز بالفعل بازتاب نبود سرمایه اجتماعی خواهد بود. اگر فرصت‌طلبی و پیامدهای آن را جزئی از رفتارهای انحرافی به حساب آوریم می‌توانیم ببینیم که هنگامی که اعتماد اجتماعی به عنوان یکی از مولفه‌های سرمایه اجتماعی در میان افراد کاهش یابد، میزان فرصت‌طلبی و نفع‌جویی در میان افراد افزایش می‌یابد. در این زمینه می‌توانیم از نظریه محیط شهری مدد جوئیم. بر اساس این نظریه فرصت‌طلبی و رفتارهای فرصت‌طلبانه ناشی از ساختار شهری و ویژگی‌های محیطی آن است. به‌عبارت دیگر با پیچیده‌تر شدن روابط اجتماعی تمایل به رفتارهای عام‌گرایانه کمتر و به تدریج جای خود را به رفتارهای خاص‌گرایانه می‌دهد. بنابراین

فرصت‌طلبی در روابط اجتماعی و ابعاد گسترده‌ی آن (اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و غیره) خصیصه محیط‌های شهری بزرگ است. محیط‌هایی که مختص به دوره‌های مدرن‌اند. پس با توجه به همه‌ی این‌ها می‌توانیم نتیجه بگیریم که شرایط خاص اجتماعی (بی‌اعتمادی، عدم انسجام، عدم مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی) که تحت تأثیر کنش‌ها و رفتارهای افراد در جامعه شکل می‌گیرد، می‌تواند باعث بروز فرصت‌طلبی شود.

افراد چون جورج زیمل معتقدند که در نتیجه سیطره اقتصاد پولی و دامنه وسیع کارکردی در شهرهای بزرگ، تماس‌های نزدیک و عاطفی با دیگران بسیار کم‌رنگ شده و خودمحوری به هدف اساسی زندگی شهروندان تبدیل می‌گردد (صدیق سروستانی، ۱۳۶۹: ۲۰۵-۲۰۶). حال می‌توانیم از درون تئوری‌های مطرح شده نتایج زیر را به‌طور خلاصه مطرح کنیم:

الف) عوامل مؤثر در سطح کلان

در این سطح فرصت‌طلبی نیز از خانواده آنومی (آشفستگی اجتماعی) محسوب می‌شود. بنابراین از بین تئوری‌هایی که در سطح کلان‌تر می‌توانند به تبیین فساد کمک کنند، تئوری امیل دورکهایم و رابرت مرتون می‌باشند که هر دو وجوه اشتراکی با هم دارند. هر دو این تئوری‌ها بر پایه تولید نیاز و عدم‌ارضاء نیاز بنا شده‌اند که موجب نارضایتی افراد و تمایل آنها به کارهای فرصت‌طلبانه می‌شود. در اینجا به‌طور خلاصه می‌توان این‌گونه بیان کرد که:

اگر نیازها < امکان ارضاء نیاز ← انحراف (فرصت‌طلبی)

مرتون نیز به یک نکته جدید اشاره می‌کند و آن این است که این فرایند به قشر اجتماعی افراد نیز وابسته است.

تا این‌جا به‌طور ضمنی این تصور وجود دارد که افراد متعلق به قشر پایین به علت احساس نیاز از یک‌طرف و مسدود و محدود بودن امکانات از طرف دیگر، به فرصت‌طلبی روی می‌آورند. در صورتی که بسیاری مفاسد کلان از جانب قشر بالای جوامع انجام می‌گیرد. این رفتار فساد قشر بالا نیز مبتنی بر مقایسه و احساس محرومیت نسبی است؛ اما دو عامل دیگر هستند که این مسائل را بهتر تبیین می‌کنند، هم برای افراد فقیر و هم ثروتمند:

کنترل درونی

زیگموند فروید و دیوید ریزمن اشاره می‌کنند که انسان‌ها دارای یک نوع سیستم کنترل درونی هستند که مانع انجام کارهای نامشروع می‌شوند. یکی از مهم‌ترین این عوامل پایبندی‌های مذهبی

است که اگر در یک جامعه وجود داشته باشد، مانع انحرافات می‌شود. تأثیر این سیستم کنترل درونی قوی‌تر از هر سیستم کنترل دیگر است. لذا عاملی که کارهای نامشروع را در یک جامعه تسهیل می‌کند، تضعیف پایبندی‌های مذهبی و اخلاق مبتنی بر مذهب است. لذا برای پیشگیری از انحرافات و فساد یا باید اخلاق مذهبی با تمام قوا حفظ شود و یا اخلاق با ابزار دیگری (مثلاً بر اساس درک فایده جمعی) در جامعه پایه‌ریزی شود که: (۱) اولاً بسیار دشوار و ناهمگون و خود موجب تضاد خواهد شد؛ و (۲) ثانیاً با زمان و هزینه بسیار زیاد همراه خواهد بود.

بنابراین اگر اعتقادات مذهبی اعضای جامعه قوی باشد، اعضای آن جامعه با درآمد کم و نیاز شدید، عموماً به فساد و انحراف روی نمی‌آورند؛ اما اگر اعتقادات مذهبی اعضا یک جامعه کاهش یابد و عده‌ی زیادی از اعضا آن جامعه دلیلی برای کنترل خود و پرهیز از گناه نبینند و یا کارهای خلاف را گناه و نامشروع نپندارند، در آن صورت، آن جامعه به‌طور جدی با خطر جدی روبه‌روست. لذا به‌عبارتی به‌طور مفید و مختصر می‌توان گفت که: ایمان سیمان اجتماعی است (رفیع‌پور، ۱۳۷۷: ۳۰۵).

کنترل بیرونی

در هر جامعه‌ی سالمی که در آن حتی احتمال فساد وجود ندارد یا کم است و به‌ظاهر در آنجا نیاز به کنترل بیرونی نمی‌باشد، باید در عین حال یک هشجاری کامل و یک سیستم کنترل بیرونی قوی وجود داشته باشد تا کسی حتی خیال کار خلاف به سرش نزند. بر اساس تئوری آقای اتکینسون (۱۹۶۴)، وقتی یک شخص به عمل خلاف (مثلاً دزدی) دست می‌زند که: ارزش (Value) به‌دست آوردن آن پول برایش زیاد و انتظار (Expectency) دستگیریش کم و انتظار موفقیتش زیاد باشد. بر این اساس سیستم کنترل بیرونی باید دارای دو خصوصیت باشد:

- * اولاً احتمال کشف کار خلاف، یعنی حضور سیستماتیک نیروهای کنترل‌کننده باید بسیار زیاد باشد، به‌طوری که شخص خاطی بداند که به احتمال بسیار زیاد، مجازات خواهد شد.
- * ثانیاً میزان مجازات برای یک کار خلاف باید بسیار سنگین باشد تا برای شخص خاطی بسیار پرهزینه و پرضرر تلقی شود و از نظر او دست زدن به آن کار به هیچ‌وجه مقرون به‌صرفه نباشد.

ب) عوامل مؤثر در سطح متوسط

در این قسمت ما تئوری لویتدکه و شوایتزر را برای تبیین مسئله فرصت‌طلبی مورد توجه خاص قرار می‌دهیم. بر اساس این تئوری می‌توانیم فرصت‌طلبی را ابتدا این‌طور تعریف کنیم:

- * یک کنش در مورد یک مسئله باارزش؛
- * با هدف فردی کسب بیشترین فایده که در آن، اقلأ یکی از طرفین، در تضاد بین؛

* پیروی از هنجارها و قواعد عام، یعنی هنجارهای دربرگیرنده منافع عام؛ و
 * هنجارهای شخصی خاص و جزئی (که دربرگیرنده منافع خود شخص است) قرار می‌گیرد و؛
 * نهایتاً در جهت هنجار خاص (یعنی منافع شخصی خود) تصمیم می‌گیرد.
 بر این اساس می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که در این فرایند چند عامل فرصت‌طلبی را در جامعه و در میان افراد تقویت می‌کند: "میزان نابرابری در جامعه، جامعه‌پذیری در محیطی که تمایلات فردگرایانه در مقابل تمایلات جمع‌گرایانه وجود داشته باشد؛ لذا افراد در مورد وظائف دولتی، احساس مسئولیت چندانی نمی‌کنند و منافع خود را بر منافع دیگران ترجیح می‌دهند." بنا به گفته‌ی رفیع پور افراد دیگری چون آقای ویزه (wiese, 1994) به متغیر فردگرایی اشاره داشته‌اند. آقای ویزه معتقد است که وقتی فردگرایی حاکم شود، افراد در پی رفتار عقلانی، به دنبال افزایش نفع شخصی خود بر خواهند آمد (رفیع پور، ۱۳۸۶: ۳۲-۳۶).

ج) عوامل مؤثر در سطح خرد

فرهنگ فرصت‌طلبی

بنابر تئوری دورکیم و مرتون یکی از علل پیدایش فرصت‌طلبی در جامعه آن است که در بین اعضاء آرزوها، نیازها و اهداف بلند پروازانه جدید بوجود می‌آید، اما در مقابل، راه‌های ارضای نیازها محدود یا مسدود می‌باشد. لذا مردم و به ویژه جوانان آرزومند و ناکام از بیراهه و طرق نامشروع به دنبال دستیابی به اهداف می‌روند. وقتی بیراهه رفتن شروع شود، بعد از مدتی به عنوان یک روش، هنجار و فرهنگ باب می‌شود. وقتی فرصت‌طلبی به یک فرهنگ تبدیل شد، کسی دیگر فکر نمی‌کند که کارش غلط است. زیرا از یک طرف می‌بیند که همه این‌طور رفتار می‌کنند و از طرف دیگر از او نیز انتظار دارند که او نیز آن گونه رفتار کند. از همه مهم‌تر اینکه راه ارضای نیازها مسدود و تنها از این طریق ممکن است (برداشت آزاد از رفیع پور، ۱۳۸۶).

ملاحظات اجتماعی

بر اساس تئوری لویتدکه و شوایتزر، فردگرایی و عدم ملاحظه شرایط دیگران یک عامل اساسی پیدایش فساد و انحراف است. ملاحظات اجتماعی یک ریشه‌ی اصلی آنومی است و رابطه‌ی معکوس با آن دارد. یعنی آنومی وقتی ظاهر می‌گردد که ملاحظات اجتماعی کاهش یابد و انسان‌ها دیگر ملاحظه رعایت حال دیگران را نکنند (رفیع پور، ۱۳۷۸: ۱۱۰).

اخلاق اجتماعی

برای دستیابی به یک تعریف مشخص در رابطه با اخلاق نیاز داریم که عناصر تشکیل‌دهنده آن را شناسایی کنیم. بدین منظور به طرح مختصر تئوری‌های اخلاق می‌پردازیم. سقراط یکی از نخستین و بهترین فیلسوفان اخلاق گفته است که این اخلاق نه به "مسئله‌ای کم‌اهمیت" بلکه به این امر می‌پردازد که "چگونه باید زندگی کرد". فلسفه‌ی اخلاق عبارت است از تلاش در جهت نیل به درکی نظام‌مند از ماهیت اخلاق و آنچه اخلاق از ما می‌طلبد؛ به قول سقراط "این که چگونه باید زیست و چرا". بنابراین شروع کار با یک تعریف ساده و مورد اتفاق درباره‌ی چیستی اخلاق مفید فایده خواهد بود؛ اما در عمل معلوم می‌شود که ارائه چنین تعریفی ناممکن است (ریچلز، ۱۳۸۷: ۱۱-۱۳). اخلاق در حداقل معنا، عبارت است از تلاش برای قرار دادن رفتار خود تحت هدایت دلیل (یعنی کاری را انجام دهیم که بهترین دلایل برای انجام آن وجود دارد) و در عین حال قائل شدن ارزش یکسان برای منافع کلیه‌ی افرادی که متأثر از رفتار ما خواهند بود (ریچلز، ۱۳۸۷: ۳۰).

نظریه‌های اخلاق

بطور کلی دو دسته نظریه عمده در تبیین اخلاق وجود دارند: ۱- نظریه‌های شناختی و عقلانی اخلاق، ۲- نظریه‌های عاطفی و ارزشی اخلاق.

نظریه‌های شناختی، اخلاق را بر اساس شناخت، ادراک، استدلال، وظیفه، تکلیف و نوعی تمایلات حسابگرانه بیرونی توضیح می‌دهند. در این دیدگاه، شناخت و تکلیف دو عنصر اصلی قضاوت اخلاقی‌اند. نظریه‌های عاطفی، برعکس نظریه‌های شناختی، وفاداری و پایبندی به مجموعه‌ای از ارزش‌ها را عامل اصلی گذار از خودخواهی به دگرخواهی می‌دانند. در این دیدگاه، رعایت قواعد و هنجارهای اخلاقی بدون میل و علاقه و تنها از روی وظیفه و اجبار، غیرممکن است. این دیدگاه معتقد است رعایت هنجارهای اخلاقی بر اساس پذیرش عقلی و استدلال قراردادی متضمن نفع همه نیست، بلکه مبتنی بر پذیرش وجدانی و درونی ارزش‌ها است.

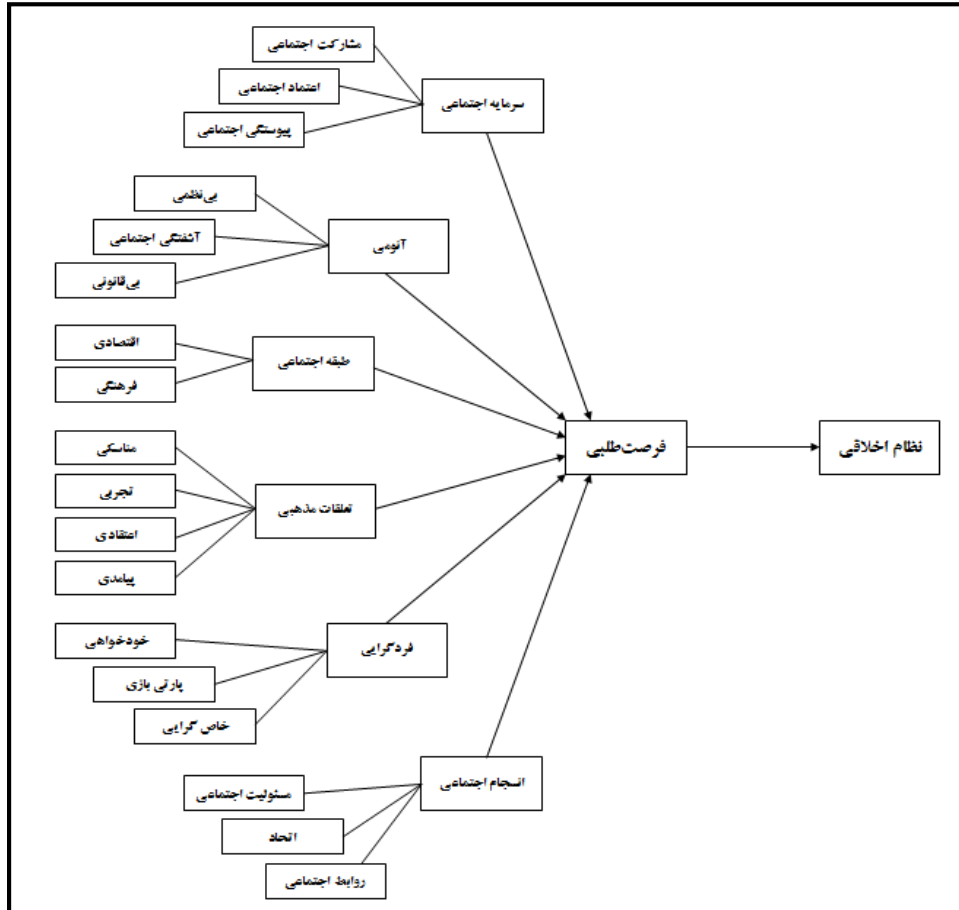
به نظر می‌رسد هیچ یک از دو دسته نظریه به تنهایی به توضیح کامل و قابل‌قبولی از انگیزه‌های ما برای پیروی از ارزش‌های اخلاقی ارائه نمی‌دهند. پیروی از قواعد و ارزش اخلاقی، همواره جدای از وظیفه و تکلیف اجباری و بیرونی، با نوعی میل و علاقه و دلبستگی عاطفی همراه است. عمل به ارزش‌های اخلاقی در عین رنج و سختی و زحمتی که برای ما دارد، با میل و رغبت دنبال می‌شود و احساس رضایت درونی ما را فراهم می‌سازد. برای گذشتن از این دوگانه‌گرایی بین عقل و دل یا تکلیف و تعهد، بسیاری از جامعه‌شناسان چون پارسونز، کالینز، و ... نظریه تقدس دورکیم را مورد توجه قرار داده‌اند.

دورکیم، "در نظریه تقدس" خود امر اخلاقی را همزمان واجد دو خصوصیت عقل و دل و خیر و تکلیف می‌داند. اگرچه برای دورکیم، وابستگی‌های عاطفی از اولویت برخوردارند، اما این بدان معنا نیست که او از اهمیت نقش عقل غافل است.

به نظر او، عقلانیت و حسابگری نیز می‌تواند به تعمیم قواعد اجتماعی کمک کند. و در این مورد می‌نویسد: "به‌راستی ما نمی‌توانیم عملی را که بیان‌کننده هیچ‌چیز برای ما نیست و تنها به صرف اینکه فرمان داده‌شده، انجام دهیم. غایت اخلاق می‌باید در کنار خصلت اجباری خویش، خواستنی و دلپذیر باشد. این دلپسندی، دومین خصلت هر کنش اخلاقی است."

از نظر پارسونز، میل به اخلاق مسئولیت، حاصل ارتباط و نفوذ متقابل، تمایل به کوشش برای موفقیت، عقلانیت، فعال‌گرایی، عاطفه تعمیم‌یافته، خودتنظیمی و میل به کنترل محیط درونی و بیرونی است. به تعبیر دیگر، پارسونز تأکید می‌کند که اخلاق، ناشی از ترکیب توأم عقلانیت و حسابگری و تعهد و عاطفه است (بیات، ۱۳۸۳: ۴۱۲-۴۱۴).

مدل مفهومی تحقیق



فرضیه‌های تحقیق

- بین تعلقات مذهبی فرد و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین طبقه اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین سرمایه اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین آنومی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین فردگرایی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین انجام اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد.
- بین فرصت‌طلبی و نظام اخلاقی افراد جامعه رابطه وجود دارد.

- تمامی متغیرهای تحقیق بر فرصت‌طلبی تأثیر دارند.

روش‌شناسی تحقیق

در تحقیق حاضر با توجه به اینکه هدف، بررسی عوامل مؤثر بر پیدایش فرصت‌طلبی در روابط اجتماعی می‌باشد، از روش پیمایش استفاده شده است. مطالعه‌ی حاضر به لحاظ هدف، کاربردی، و از لحاظ سطح تحقیق، تبیینی؛ و به لحاظ معیار زمان، مقطعی (شش‌ماهه دوم سال ۱۳۸۹) و به لحاظ معیار ژرفایی، پهنانگر است. به‌طوری‌که روش گردآوری داده‌ها نیز به صورت پرسشنامه‌ای بوده است. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر اصفهان می‌باشد، که بر اساس آمار سال ۱۳۸۵ از ۱۶۲۴۸۳۸ نفر، تعداد ۱۰۸۹۳۹۶ نفر ۲۰ سال به بالا بوده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵).

حجم نمونه و روش محاسبه

تعداد حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران مشخص شده که با توجه به این فرمول ۳۸۴ نفر تعیین شده است.

$$n = \frac{t^2 d}{d^2} = \frac{1 \cdot 96^2}{0 \cdot 05^2} 0.5 * 0.5 = 384 \cdot 16$$

تعداد حجم نمونه بر اساس جمعیت ۲۰ سال به بالا در هر یک از مناطق ۱۴ گانه اصفهان محاسبه و تعداد پرسشنامه مقتضی بر حسب تعداد زن و مرد ۲۰ سال به بالا بین شهروندان توزیع شده است.

پایایی تحقیق

در تحقیق حاضر نیز برای پایایی گویه‌های پرسشنامه از آلفای کرونباخ استفاده شده است. آلفای مربوط به متغیر دینداری ۸۳ درصد، آنومی ۸۴ درصد، سرمایه اجتماعی ۷۷ درصد، انسجام اجتماعی ۸۲ درصد، فردگرایی ۶۴ درصد، فرصت‌طلبی ۷۷ درصد و اخلاق اجتماعی ۵۲ درصد می‌باشد.

نتایج یافته‌های پژوهشی، آماره‌های توصیفی متغیرها

الف) توزیع پاسخگویان بر حسب جنس

از مجموع ۳۸۴ مورد مطالعه شده، ۱۸۶ نفر از شهروندان مرد و ۱۹۸ نفر زن می‌باشند. به عبارتی ۴۸/۴ درصد افراد نمونه آماری از میان شهروندان مرد و ۵۱/۶ درصد از افراد زن بوده‌اند.

ب) توزیع پاسخگویان بر حسب سن

نتایج به‌دست آمده در مورد سن افراد نمونه آماری نشان می‌دهد که کم‌سن‌ترین فرد دارای ۲۰ سال و بزرگ‌ترین آنها دارای ۷۲ سال می‌باشند. همچنین میانگین سنی نمونه مورد مطالعه ۳۳/۳۱ سال می‌باشد.

ج) توزیع پاسخگویان به تفکیک وضعیت تأهل

وضعیت تأهل شهروندان مورد مطالعه در این تحقیق، در قالب یک متغیر اسمی سه گزینه‌ای مورد اندازه‌گیری قرار گرفته است. از ۳۸۴ نمونه آماری، ۱۴۶ نفر مجرد و ۲۳۷ نفر متأهل بوده‌اند و ۱ نفر گزینه‌ی سایر را انتخاب کرده است. با توجه به این‌که در تحقیق حاضر جامعه آماری بالای ۲۰ سال بوده، بنابراین تعداد متأهلین بیشتر از مجردها بوده است.

- طبقه اجتماعی

برای ارزیابی متغیر طبقه اجتماعی که یکی از متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد از ۱۱ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شد. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه ما ۵/۸ می‌باشد. به عبارتی میانگین این متغیر در بین افراد مورد مطالعه متوسط رو به بالاست.

| پایین | متوسط | بالا |
|-------|-----------------|------|
| ۰ | ۵/۷ ↓ ۵/۸ | ۱۰ |

- دینداری

برای ارزیابی متغیر دینداری از ۱۶ گویه در سطح اندازه‌گیری رتبه‌ای استفاده شده است. میانگین این متغیر برای شهروندان مورد مطالعه ۵۹/۶۹ می‌باشد که نشان‌دهنده این است که میزان دینداری شهروندان ۲۰ سال به بالای اصفهانی در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. میانگین میزان دینداری شهروندان در پیوستار زیر آورده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|------------------|----|---------|
| ۸۰ | ۶۵ | ۵۰ ↓ ۵۹/۶۹ | ۲۵ | ۱۶ |

- سرمایه اجتماعی

سرمایه اجتماعی از متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد. برای اندازه‌گیری این متغیر از ۳۸ گویه استفاده گردیده است. میانگین به‌دست آمده در این زمینه ۸۷/۹۹ می‌باشد که جایگاه آن در بین پاسخگویان در پیوستار زیر آورده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|-------------------|----|---------|
| ۱۹۰ | ۱۵۵ | ۱۰۶ ↓ ۸۷/۹۹ | ۷۲ | ۳۸ |

همان‌طور که میانگین نشان می‌دهد، میزان سرمایه اجتماعی برای شهروندان ۲۰ سال به بالای شهر اصفهان در سطح متوسط رو به پایین می‌باشد.

- آنومی

آنومی یکی از متغیرهای مستقل تحقیق بوده است که برای اندازه‌گیری آن از ۸ گویه در پرسشنامه استفاده گردیده است. میانگین به‌دست آمده از این متغیر در تحقیق حاضر ۲۷/۴۹ می‌باشد که جایگاه آن در بین پاسخگویان در پیوستار زیر آورده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------------------|-------|----|---------|
| ۴۰ | ۳۲ ↓ ۲۷/۴۹ | ۲۴ | ۱۶ | ۸ |

همان‌طور که میانگین نشان می‌دهد، میانگین آنومی برای شهروندان اصفهانی مورد مطالعه در سطح متوسط رو به بالا می‌باشد.

- انسجام اجتماعی

انسجام اجتماعی از متغیرهای مستقل تحقیق می‌باشد. برای سنجش این متغیر از ۱۲ گویه استفاده شده است. در این زمینه نیز میانگین به‌دست آمده ۳۱/۱۴ می‌باشد که جایگاه آن برای پاسخگویان در پیوستار زیر آورده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|---------|----|---------|
| ۶۰ | ۴۸ | ۳۶ ↓ | ۲۴ | ۱۲ |

۳۱/۱۴

- فردگرایی

فردگرایی از متغیرهای مستقل تحقیق بوده است. برای اندازه‌گیری این متغیر از ۵ گویه استفاده شده است. میانگین به‌دست آمده برای این متغیر در پیوستار زیر نشان داده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|------------------|----|---------|
| ۲۵ | ۲۰ | ۱۵ ↓ ۱۵/۲۳ | ۱۰ | ۵ |

- نظام اخلاقی

نظام اخلاقی از متغیرهای وابسته تحقیق می‌باشد. برای سنجش این متغیر از ۶ گویه در قالب طیف ۵ قسمتی لیکرت استفاده شده است. در این زمینه نمره ۵ نشانگر پایین‌ترین سطح اخلاق و نمره ۳۰ نشانگر بالاترین سطح اخلاق در فرد می‌باشد. میانگین به‌دست آمده از این متغیر در پیوستار زیر نشان داده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------------------|-------|----|---------|
| ۳۰ | ۲۰ ↓ ۲۰/۴۸ | ۱۵ | ۱۰ | ۵ |

میانگین به‌دست آمده نشان می‌دهد که میزان فردگرایی در بین افراد مورد مطالعه متوسط رو به بالا می‌باشد.

- فرصت طلبی

فرصت‌طلبی از متغیرهای وابسته تحقیق می‌باشد. برای اندازه‌گیری این متغیر از ۱۴ گویه استفاده شده است. در این زمینه نمره ۵ نشانگر پایین‌ترین سطح فرصت‌طلبی در فرد و نمره ۷۰ نشانگر بالاترین سطح فرصت‌طلبی در فرد می‌باشد. در اینجا میانگین به‌دست آمده (۳۹/۴۵) نشان می‌دهد که فرصت‌طلبی در میان افراد مورد مطالعه متوسط رو به بالا می‌باشد. سایر نتایج توصیفی این متغیر در پیوستار زیر آورده شده است.

| خیلی زیاد | زیاد | متوسط | کم | خیلی کم |
|-----------|------|---------|----|---------|
| ۷۰ | ۵۵ | ۳۵ ↓ | ۲۰ | ۵ |

۳۹/۴۵

آمار استنباطی

یافته‌های حاصل از آزمون‌های آماری

| N | sig | نوع آزمون | فرضیه |
|-----|-------|----------------|---|
| N | ۰/۰۰۲ | پیرسون: ۰/۱۵۸ | بین طبقه اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: -۰/۴۹۷ | بین دینداری و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: -۰/۴۰۸ | بین سرمایه اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: ۰/۵۴۸ | بین آنومی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: -۰/۲۲۵ | بین انسجام اجتماعی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: ۰/۵۴۸ | بین فردگرایی و فرصت‌طلبی رابطه وجود دارد. |
| 384 | ۰/۰۰۰ | پیرسون: -۰/۵۵۲ | بین فرصت‌طلبی و نظام اخلاقی رابطه وجود دارد. |

در این پژوهش برای آزمون رابطه بین طبقه اجتماعی و فرصت‌طلبی از آزمون χ^2 پیرسون استفاده شده است. ضریب همبستگی به‌دست آمده ۰/۱۵۸ می‌باشد که حاکی از همبستگی مثبت بین دو متغیر طبقه اجتماعی و فرصت‌طلبی است. یعنی با بالا رفتن طبقه اجتماعی افراد، فرصت‌طلبی در آنها بیشتر می‌شود.

همچنین برای آزمون رابطه بین دینداری و ابعاد آن با فرصت‌طلبی از آزمون χ^2 پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که با $\text{sig}=0/000$ رابطه کاملاً معنی‌داری بین دینداری و فرصت‌طلبی وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست آمده -۰/۴۹۷ می‌باشد که حاکی از همبستگی منفی بین دو متغیر دینداری و فرصت‌طلبی است. یعنی با بالا رفتن میزان دینداری در مردم، فرصت‌طلبی در آنها کم می‌شود.

برای آزمون رابطه بین سرمایه اجتماعی و فرصت‌طلبی از آزمون χ^2 پیرسون استفاده شده است. نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد با $\text{sig}=0/000$ رابطه کاملاً معنی‌داری بین سرمایه اجتماعی و فرصت‌طلبی وجود دارد. ضریب همبستگی به‌دست آمده -۰/۴۰۸ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی منفی بین این دو متغیر است. یعنی با بالا رفتن سرمایه اجتماعی، از میزان فرصت‌طلبی افراد کاسته می‌شود. و از جهت رابطه بین ابعاد فرصت‌طلبی با سرمایه اجتماعی نیز رابطه‌ای منفی وجود دارد.

برای آزمون رابطه بین آنومی با فرصت‌طلبی از آزمون χ^2 پیرسون استفاده شده است. نتایج نشان می‌دهد که با سطح معناداری $\text{sig}=0/000$ رابطه کاملاً معناداری بین آنومی و فرصت‌طلبی

وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی به دست آمده $0/548$ گویای یک همبستگی مثبت و مستقیم می‌باشد. به عبارتی می‌توان این‌گونه مطرح کرد که هر چه آنومی و عدم رعایت هنجارهای اجتماعی در بین افراد بیشتر شود، فرصت‌طلبی نیز افزایش می‌یابد.

برای آزمون رابطه بین انسجام اجتماعی و فرصت‌طلبی از آزمون T پیرسون استفاده شد؛ نتایج این آزمون نشان می‌دهد که با سطح معناداری $sig=0/000$ رابطه کاملاً معناداری بین انسجام اجتماعی و فرصت‌طلبی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $0/225-$ باشد که نشان‌دهنده همبستگی منفی بین دو متغیر انسجام اجتماعی و فرصت‌طلبی می‌باشد. یعنی با افزایش انسجام اجتماعی، از میزان رفتارهای فرصت‌طلبانه در بین افراد کاسته می‌شود و بالعکس.

برای آزمون رابطه بین فردگرایی و فرصت‌طلبی از آزمون T پیرسون استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد، با معناداری $sig=0/000$ رابطه کاملاً معناداری بین فردگرایی و فرصت‌طلبی وجود دارد. ضریب همبستگی به دست آمده $0/502$ می‌باشد که نشان‌دهنده همبستگی مثبت و مستقیم است. یعنی افرادی که معیارهای فردگرایانه بیشتری دارند، رفتارهای فرصت‌طلبانه بیشتری از خود نشان می‌دهند.

در این قسمت فرصت‌طلبی به عنوان متغیر مستقل در ارتباط با متغیر نظام اخلاقی جامعه قرار داده شده است. برای آزمون رابطه بین این دو متغیر از آزمون T پیرسون استفاده شده است. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که با معناداری $sig=0/000$ رابطه کاملاً معناداری بین فرصت‌طلبی و نظام اخلاقی جامعه وجود دارد. همچنین ضریب همبستگی به دست آمده $0/552-$ می‌باشد که بیانگر همبستگی منفی و مستقیم بین این دو متغیر است. یعنی با افزایش فرصت‌طلبی، افراد معیارهای اخلاقی را بیشتر زیر پا می‌گذارند.

تحلیل‌های چند متغیره: مدل رگرسیونی

در این قسمت از یافته‌های پژوهش به تحلیل رگرسیونی چندگانه از داده‌ها و روابط بین متغیرها پرداخته شده است. این روش به عنوان رویکردی شناخته می‌شود که فاصله میان همبستگی و تجزیه واریانس را در پاسخ به فرضیه‌های تحقیق پر می‌کند. در واقع هدف از این تحلیل، مشخص نمودن سهم و تأثیر متغیرهای عمده تحقیق در تبیین و پیش‌بینی متغیر وابسته است. به عبارت دیگر رگرسیون چند متغیره به تبیین و پیش‌بینی واریانس متغیر وابسته (فرصت‌طلبی) کمک می‌کند. مقدار ضریب تعیین به عنوان معیار برازش مدل در تحلیل رگرسیون چندگانه به کار می‌رود. این کار از طریق برآورد میزان نقش و تأثیر متغیرهای مستقل در ایجاد واریانس انجام می‌گیرد. از این رو می‌توان رگرسیون چند متغیره را برای به دست آوردن میزان‌های درجه روابط میان یک متغیر وابسته با هر تعداد از متغیرهای مستقل به کار برد.

بنابراین برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی متغیرهای مستقل بر فرصت‌طلبی از تحلیل رگرسیونی چند متغیره به روش گام‌به‌گام استفاده شده است. از بین متغیرهای مستقل، متغیرهای طبقه اجتماعی، دینداری، سرمایه اجتماعی، آنومی، انسجام و فردگرایی وارد معامله شدند؛ در مجموع ۴۴ درصد از تغییرات مربوط به متغیر فرصت‌طلبی را این ۶ متغیر تبیین می‌کنند و مابقی واریانس تبیین نشده متأثر از متغیرهای دیگری است که در مدل این تحقیق آورده نشده‌اند. در میان این ۶ متغیر، متغیر دینداری، فردگرایی، آنومی و طبقه اجتماعی دارای سطح معنی‌داری بوده و می‌توانند فرصت‌طلبی را تبیین نمایند. به عبارتی متغیر آنومی با میزان ۳۰ درصد و بعد از آن فردگرایی با میزان ۲۸ درصد و متغیر دینداری با میزان ۰/۲۸- درصد و در آخر متغیر طبقه اجتماعی با میزان ۰/۰۹ درصد توانسته‌اند فرصت‌طلبی را تبیین نمایند. در واقع با توجه به مقدار بتای به دست آمده در جدول می‌توان این‌گونه مطرح کرد که به ازای یک واحد تغییر در آنومی، فرصت‌طلبی ۳۸ واحد تغییر می‌کند و متغیر فردگرایی با ضریب بتای ۰/۷۴ نشان می‌دهد که به ازای یک واحد تغییر در میزان فردگرایی، متغیر فرصت‌طلبی ۷۴ واحد تغییر می‌کند؛ همچنین به ازای هر واحد تغییر در میزان طبقه اجتماعی، فرصت‌طلبی ۵۶ واحد تغییر می‌کند و به ازای هر واحد تغییر در میزان دینداری، فرصت‌طلبی ۲۱ واحد در جهت منفی تغییر می‌کند. جداول زیر نتایج رگرسیون چند متغیره را نشان می‌دهد.

| همبستگی چندگانه ۰/۶۷ | | ۰/۴۴ ^۲ | | ۰/۴۴ تصحیح شده | | دوربین واتسون |
|----------------------|---------------|-------------------|-----------------|----------------|---------------|---------------|
| | | | | | | ۱/۸۲ |
| منبع تغییرات | مجموع مجذورات | درجه آزادی | میانگین مجذورات | F | سطح معنی‌داری | منبع تغییرات |
| رگرسیون | ۱۱۷۶۳/۰۱۰ | ۶ | ۱۹۶۰/۵۰۲ | ۵۱/۲۳ | ۰/۰۰۰ | رگرسیون |
| باقی‌مانده | ۱۴۴۲۶/۰۵۰ | ۳۷۷ | ۳۸/۲۶۵ | | | باقی‌مانده |
| کل | ۲۶۱۸۹/۰۶۰ | ۳۸۳ | | | | کل |

نتایج آزمون رگرسیون چند متغیره تعیین‌کننده‌های فرصت‌طلبی

| عرض از مبدأ | B | B | T | سطح معنی‌داری |
|-------------|---|-------|------|---------------|
| | | | ۶/۱۱ | ۰/۰۰۰ |
| | | ۲۵/۷۹ | | |

| | | | | |
|-------|-------|-------|-------|----------------|
| ۰/۰۰۰ | -۵/۷۶ | -۰/۲۱ | -۰/۲۸ | دینداری |
| ۰/۰۰۰ | ۵/۸۸ | ۰/۳۸ | ۰/۳۰ | آنومی |
| ۰/۶۵ | ۰/۴۵ | ۰/۰۱ | ۰/۰۲ | سرمایه اجتماعی |
| ۰/۵۱ | ۰/۵۵ | ۰/۰۲ | ۰/۰۲ | انسجام اجتماعی |
| ۰/۰۰۰ | ۶/۴۷ | ۰/۷۴ | ۰/۲۸ | فردگرایی |
| ۰/۰۱ | ۲/۴۳ | ۰/۵۶ | ۰/۰۹ | طبقه اجتماعی |

ضرایب بتای متغیرهای مربوط به مدل رگرسیونی فرصت‌طلبی

نتیجه‌گیری

به نظر پارسونز از آنجا که انسجام انگاره‌های ارزشی و نیازها، بنیادی‌ترین مفاهیم پویای جامعه‌شناسی را تشکیل می‌دهند؛ لذا ساخت کلان جامعه از نهادهای گوناگونی تکوین یافته که هر یک مرکب از نقش‌ها و انتظارات و تعاملات افراد جامعه است. بر این بنیان نظم هنجاری یا الگویی آن است که موجبات سازماندهی جمعی زندگی مردم را فراهم می‌آورد. بدین‌سان پیش‌فرض‌های نظم از نظر پارسونز شامل این موارد است:

- ۱) نظام‌ها منظم بوده و اجزایشان با هم پیوستگی دارند؛
- ۲) نظام‌ها به حفظ نظم یا تعادل تمایل دارند؛
- ۳) نظام‌ها می‌توانند ایستا بوده یا متضمن فرایند منظمی از تغییرات باشند؛
- ۴) ماهیت یک جزء از نظام همان تأثیری را دارد که دیگر اجزاء نظام می‌توانند از آن اخذ کنند؛
- ۵) نظام‌ها ثغور خود را با محیط‌شان حفظ می‌کنند؛
- ۶) تخصیص و انسجام دو فرایند اساسی برای ایجاد تعادل در نظام هستند و
- ۷) نظام‌ها از طریق حفظ ثغور و روابط اجزاء با کل و مهار تغییرات محیطی و جریان‌ات درون-زای تغییر به حفظ خود می‌پردازند."

به این ترتیب "از نظر پارسونز کنش اجتماعی به‌عنوان نظامی اجتماعی از چهار نظام کوچک‌تر تشکیل می‌شود. این خرده‌نظام نظیر نهادهای مذهبی همان نهادهایی هستند که مسئولیت ثبات اخلاقی جامعه را عهده دارند و موجب حفظ ارزش‌های فرهنگ عمومی می‌شوند. دومین نوع خرده‌نظام‌ها، نظام نهادهای حقوقی‌اند که عهده‌دار تعیین هنجارها و قوانین اجتماعی‌اند. سومین خرده‌نظام‌ها همان نهادهای سیاسی‌اند که مسئولیت تحقق اهداف عمومی را به عهده دارند و در وهله چهارم نیز نوبت نهادهای اقتصادی است که به واسطه تمهید جریان تولید و توزیع، شرایط انطباق با محیط را فراهم کرده و موجب ادامه حیات اقتصادی جامعه می‌گردند". این در حالی

است که به عقیده پارسونز، ما کنش‌هایی داریم که از یک گروه نیز سر می‌زند. در واقع او در سطح جمع به جای ارگانسیم رفتاری، اقتصاد را قرار می‌دهد که جامعه را با محیط منطبق می‌کند و لذا اگر جامعه فاقد منابع اقتصادی باشد نمی‌تواند دوام یابد. از طرفی سیاست هم مشروعیتش را از فرهنگ اخذ می‌کند و بر اقتصاد نظارت می‌نماید. به علاوه هرچند سیاست، امکانات اقتصادی را برای نیل به هدف تخصیص می‌دهد؛ لیکن جز با کسب مشروعیت فرهنگی پایدار نمی‌ماند. همچنین شایان ذکر است که در گذشته رهبران سیاسی و فرهنگی یا یکی بوده‌اند و یا از حمایت رهبران فرهنگی استفاده می‌کرده‌اند و به نظر می‌رسد که در آینده با عقلانی‌شدن فزاینده فرهنگ‌ها، حکومت‌ها نیز عقلانی‌تر شوند. در نهایت اجتماع جامعه‌ای نیز از طریق نهادی‌شدن روابط اقتصادی و سیاسی و فرهنگی شکل می‌گیرد که بر این سیاق درونی شدن هنجارها در سطح شخصیتی فرد به یگانگی در سطح نظام کلان اجتماعی منجر شده و به عبارتی نهادینگی منتهی به انسجام می‌گردد (محمدی‌اصل، ۱۳۸۷: ۶۶-۶۸).

به نظر پارسونز مهم‌ترین ویژگی جامعه صنعتی مدرن موقعیت برتر و مسلطی است که نهادهای اقتصادی در آن دارند. در مقایسه با جامعه‌های ابتدایی و میانی، در جامعه‌های مدرن دنیای کار و بخش تولید و توزیع کالاها و خدمات و شبکه مبادلات پولی و اعتبار رشد بیشتری یافته است. در جامعه صنعتی مدرن اقتصاد از سایر فعالیت‌های اجتماعی افتراق بیشتری یافته و به‌عنوان یک نظام فرعی مشخص و متمایز قابل شناسایی است که می‌توان روابط مبادله‌ها و کنش‌های متقابلش را با باقی جامعه ردیابی کرد (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۱۲۹).

اقتصاد به نظر پارسونز وجهی از رفتار کنشگران اجتماعی است که در کار تولید و توزیع کالاها و خدمات لازم برای بقای مادی و رفاه افراد و جامعه فعالیت می‌کنند. پس‌ازآنکه در یک نظام اقتصادی کالاها و خدمات تولید و توزیع شدند، به هر دلیلی که آنها خواسته و مصرف می‌شوند و استفاده‌هایی که از این کالاها و خدمات می‌شود، دیگر به اقتصاد مربوط نیستند. این‌ها ابعاد دیگر فعالیت اجتماعی‌اند و به سایر نظام‌های فرعی جامعه تعلق دارند.

دومین رهیافتی که تئوری پارسونز القا می‌کند، مطالعه اقتصاد به‌عنوان بخشی از جامعه است. از این دیدگاه، اقتصاد دیگر به‌عنوان یک نظام اجتماعی مطرح نمی‌شود، بلکه یک نظام فرعی از نوع خاصی از نظام اجتماعی است که جامعه کلی گفته می‌شود.

در این مقام، اقتصاد نظام فرعی سازگاری جامعه است و بدین‌عنوان دارای کنش‌های متقابل مبادله‌ها با سایر نظام‌های فرعی است. پارسونز بنا ندارد که یک نظام اقتصادی باثبات، متعادل و دایمی را شرح دهد. اقتصادی که پارسونز شرح می‌دهد چونان بازاری پرفعالیت است که درون

بازار وسیع‌تری به نام جامعه قرار گرفته است و از آن‌جا اقتصاد در فرایند بی‌وقفه مبادله با سایر بازارها درگیر است (همان، ۱۳۴-۱۳۰).

حالا با مرجع قرار دادن نظام اقتصادی و درحالی‌که سه نظام فرعی دیگر محیط آن را تشکیل می‌دهند که با آنها در کنش متقابل است، مبادله‌ها را مرور کنیم.

نظام فرعی جامعه‌پذیری شامل نهاد خانواده است که می‌توان نهاد مدرسه را هم به آن افزود. این نهادها نیروی انسانی لازم و با تخصص‌های گوناگون را در اختیار اقتصاد می‌گذارد تا آنها را برای دستیابی به هدف‌هایش، یعنی تولید کالاها و خدمات مصرفی به کار گیرد.

در عوض نیروی انسانی، اقتصاد کالاها و خدمات مصرفی را در اختیار نهادهای جامعه‌پذیری می‌گذارد. همچنین پول و اعتبار برای تحصیل کالاها و خدمات فراهم می‌کند.

در رابطه‌اش با سیاست، اقتصاد به دولت و به افرادی متکی است که مسئولیت بسیج و هماهنگی کار را دارند و ضامن امنیت سرمایه‌ای هستند که در راه تولید سرمایه‌گذاری شده است. به نظر پارسونز پایه‌ی نظام پولی و اعتباری در سیاست است. نهادهای سیاسی اختیار کم یا زیاد کردن حجم نقدینگی و قبض و بسط اعتبارات را دارند؛ اختیار ایجاد پول، حفظ ارزش یا کاهش ارزش پول را دارند. در اساسش، نظام اقتصادی بر تصمیماتی که در مراجع سیاسی گرفته می‌شود مبتنی است. در همین تصمیمات است که منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در اقتصاد تخصیص می‌یابد؛ اقتصاد در عوض سرمایه و اعتباری که از نهاد سیاست دریافت می‌کند، بهره‌وری اقتصادی را به آن بازمی‌گرداند که برای نظام فرعی سازگاری‌اش بسیار ضروری است. از سوی دیگر، نظام فرعی اجتماع جامعگی عناصر سازمانی را فراهم می‌کند که در پرتو آن ساختار اقتصادی به صورت شرکت‌ها، بنگاه‌ها، مجتمع‌های صنعتی و دیوان‌سالاری شکل می‌گیرد. این به معنای اخص کلمه، وجه نهادی اقتصاد است که در سایه‌ی آن ترکیب و هماهنگی عوامل تولید تحقق می‌یابد. در برگشت، اقتصاد به اجتماع جامعگی کالا و خدماتی را که جنبه نمادی دارند عرضه می‌کند، که کارشان تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی اشخاصی است که از آنها برخوردار می‌شوند، طبقات اجتماعی را مشخص می‌کند، همبستگی میان قشرها و نسل‌ها را به وجود می‌آورد.

همان‌طور که پارسونز خاطر نشان می‌کند، در همه‌ی مبادله‌ها پول نقش وسیله‌ای را بازی می‌کند که در پرتو آن اقتصاد از کمک سایر نظام‌های فرعی برخوردار می‌شود. در برابر حقوق یا دستمزد است که نیروی انسانی از نهاد خانواده به بازار کار می‌آید؛ از بخش سیاست، اقتصاد مجوزهای اعتبار را دریافت می‌کند، در عوض، بازده اضافی تولید می‌کند که با پول قابل اندازه‌گیری است؛ در مبادله با سازمان، اقتصاد پول را برای به خدمت گماردن کارفرمایان و مدیران به کار می‌برد (گی‌روشه، ۱۳۷۶: ۱۳۰).

همان‌طور که می‌بینیم چهار خرده نظام پارسونز به‌گونه‌ای بسیار پیچیده با یکدیگر در ارتباط‌اند. لذا در صورتی که در هر یک از این خرده‌نظام‌ها اختلالی پدید آید، سایر خرده‌نظام‌ها هم از آن بی‌تأثیر نمی‌مانند. به‌عنوان مثال فرصت‌طلبی به‌عنوان یک اختلال در نظام سیاسی می‌تواند بر خرده‌نظام فرهنگی و اقتصادی تأثیر بسزایی داشته باشد. پدیده‌ی فرصت‌طلبی می‌تواند در عین حال که از سرمایه اجتماعی، نوع جامعه‌پذیری افراد، انسجام اجتماعی و غیره تأثیر پذیرد، باعث از بین رفتن سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد و انسجام در میان افراد یک جامعه شود. در صورتی که فرصت‌طلبی، خاص‌گرایی، قانون‌گریزی و اخلاق طفیلی‌گری در یک جامعه رواج یابد، پس از مدتی هرچند کوتاه به نوعی فرهنگ در جامعه تبدیل می‌شود؛ لذا می‌توانیم این‌گونه استنتاج کنیم که هر آن‌چه زمانی در چنین جامعه‌ای ارزش بوده، در نتیجه‌ی چنین اوضاعی به ضد ارزش تبدیل می‌شود. با از بین رفتن حس اعتماد در میان افراد یک جامعه، دیگر برای کسی اهمیت ندارد که قوانین و هنجارهای یک جامعه را که به نفع سایر افراد هم می‌باشد، رعایت کند. در این جامعه هر کس به فکر کار خودش است. در این جامعه روابط بین افراد از نوع روابط ابزاری است و باورهای خاص‌گرایانه جای باورهای عام‌گرایانه را می‌گیرد. در چنین جامعه‌ای هر نوع رفتاری بر حسب سود و زیانی که برای افراد دارد (البته بدون توجه به عواقب آن برای دیگران) انجام می‌شود. بدین ترتیب اصول اخلاقی در این جامعه روزبه‌روز دچار اختلال می‌شود.

منابع

- تاجبخش، کیان (۱۳۸۵)، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، نشر شیرازه.
- دورکیم، امیل (۱۳۵۹)، درباره تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، نشر قلم.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۷)، *آناتومی جامعه، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی کاربردی*، نشر انتشار.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۷۸)، *آنومی یا آشفتگی اجتماعی*، نشر سروش.
- رفیع‌پور، فرامرز (۱۳۸۶)، *سرطان اجتماعی فساد*، شرکت سهامی انتشار.

- روشه، گی (۱۳۷۶)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران، موسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- ریچلز، جیمز (۱۳۸۷)، ترجمه آرش/خگری، تهران، انتشارات حکمت.
- صادقی، محمدرضا (۱۳۷۱)، پایه‌های اجتماعی/اخلاق، نشر اشاره.
- صدیق سروسستانی، رحمت‌اله (۱۳۶۹)، جزوه جامعه‌شناسی شهری، دانشگاه تهران.
- کلانتری، علی اکبر (۱۳۸۵)، اخلاق زندگی، نشر معارف.
- مبشری، محمد (۱۳۸۷)، سرمایه اجتماعی چیست؟ روزنامه همشهری، سال شانزدهم، شماره ۴۶۷۹.
- محمدی اصل، عباس (۱۳۸۷)، جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز، تهران، نشر علم.
- Rychlitz, J. (1387), Translated by A. Ember, Tehran, hekmat Publications.
- Chao, Ch.; Mike W.; Peng, P. & Saporito, A. (2001), Individualism, collectivism, and opportunism: A cultural perspective on Transaction cost Economics